

تحلیل بازتاب جایگاه دفاع مقدس در شعر اعظم پشت شهدی و اطهر قوامی

دکتر فرهاد براتی*

سهراب سعیدی**

چکیده

ادبیات پایداری همراه و همپای گونه‌های دیگر ادبیات بالنده و رشد کرده است. در هر دوره تاریخی که ظلم و ستمی بر مردم رفته، با واکنش آزادمران، پایداری و مقاومت در برابر بیگانگان شکل گرفته است این واکنش، ایستادگی و نبرد در متون نظم و نثر به نمایش و ثبت رسیده از اینرو این نوع ادبی مسبوق به سابقه است اما بیشتر در دوره معاصر بعنوان یکی از شاخه‌های جدید به ادبیات فارسی اضافه شده و در هر شهری از ایران، با توجه به ۸ سال دفاع مقدس و دادن شهیدان، جانبازان و اسرا، شاعران به صورت حرفه‌ای و مناسبتی به این نوع ادبی روی آورده‌اند و سبب شده‌اند که به غنای ادبیات فارسی در این بخش افزوده شود. در این راستا زنان شاعر هرزگانی در خصوص دفاع مقدس نیز به ثبت و بازتاب حماسه آفرینی رزمندگان و شهدای دفاع مقدس پرداخته‌اند که اعظم پشت شهدی و خانم اطهر قوامی دارای کتب چاپ شده با عناوین «پلاک J» و «عاشقانه روی مین» در این خصوص هستند. این مقاله با روش تحلیل محتوا و با ابزار کتابخانه به تحلیل این دو اثر رمی پردازد و مشخص می‌شود مضمون‌هایی که در سروده‌های آنان به کار رفته، بیشتر از اعتقادات مذهبی و تأثیرات باقی‌مانده از دوران انقلاب و دفاع مقدس سرچشمه گرفته‌اند.

کلید واژه: ادبیات پایداری، شعر زنان هرزگان، قوامی و پشت شهدی

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون. fbarati58@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون sohrab_minab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰



مقدمه

ادبیات پایداری در تعاریف متفاوت آمده است، دکتر بصیری می‌نویسد: «ادبیات پایداری، ادبیات ستهندگی و عشق است. ادبیات توفنده و پر تلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود. در واقع این گونه ادبی، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به مثابه ابزار و سلاحی باز دارنده رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه رافراهم آورده است» (بصیری، ۱۳۸۷: ۹۱). چهرخانی بر این باورند: «ادبیات پایداری در مفهوم موسع در سطح بسیار وسیع، متعلق اعتراض، جهان مادی و طبیعت است. از این منظر، هنر و ادبیات فی حد ذاته نوعی مقاومت در برابر نقص واقعیت و طبیعت تلقی می‌شود.» (چهرخانی، ۱۳۹۶: ۶) کما اینکه برادسکی می‌گوید «هنر، شکلی از مقاومت در برابر نقص واقعیت است» (برادسکی، ۱۳۷۳: ۵۵).

ادبیات پایداری در مفهوم عام متعلق «نفی» و «اعتراض» انحرافات است که شاعر در جامعه و محیط خود مشاهده می‌کند. «این انحرافات می‌توانند زمینه‌های مختلفی داشته باشند که در یک چشم انداز نسبتاً وسیع انحرافات اخلاقی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، دینی، فکری و... را شامل می‌شود» (چهرقانی برجلویی، ۱۳۸۳: ۲۸). «ادبیات پایداری به مفهوم واقعی و نوین آن در کشور ما از عصر مشروطه و جنگ جهانی اول متأثر از گرایش‌های ملی و میهنی به وجود آمد در شعر این دوره، موضوع پایداری در برابر ظلم و بیداد، ناگاهی و استبداد آلودگی صاحب منصبان و صلح همسایگان دیده می‌شود» (آرین پور، ۱۳۷۵: ۱۲۷). ادبیات پایداری در ایران به شیوه نوین با انقلاب و جنگ تحمیلی آغاز شده است. شاعران عصر انقلاب بعضاً خود فضای جنگ را تجربه کرده‌اند و بعضی شاعران دیگر بر اساس مطالعات یا دیدن فیلم‌های هشت سال دفاع مقدس، یا دیدن خرابه‌های جنگ در شلمچه و رفتن اردوهای در این خصوص به این وادی قدم نهاده‌اند.

در مورد شعر پایداری در استان هرمزگان نیز، چندین کتاب توسط اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، شامل: چند مجموعه از «دریا به دریا» توسط سمیه باستین و مریم بهرننگ فر به سفارش حفظ آثار و نشر دفاع مقدس استان هرمزگان در سال ۱۳۹۵ در انتشارات گفتمان



اندیشه معاصر، «بوی باران» به کوشش مرحوم خلیل عمرانی در سال ۱۳۸۸، جمع آوری شده، همینطور «عاشقانه‌های روی مین» اثر اطهر قوامی است که در سال ۱۳۹۶ چاپ شده، اعظم پشت مشهدی در سال ۱۳۸۵ اشعار پایداری اش را با عنوان «پلاک dj» منتشر کرده است، همین طور ایشان چند کتاب دیگر در این خصوص جمع آوری و تألیف داشته اند: جای پای یوسف، در سال ۱۳۸۶ در انتشارات صریر تهران شامل مجموعه شعر جنگ، شعری که شناسنامه توست، در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات فصل پنجم تهران، علامت سوال دیگری بگذارید من فرزند شهید نیستم، در سال ۱۳۹۰ شامل مجموعه شعر دفاع مقدس در انتشارات توس گستر، خمپاره‌ها به خوردن سیب عادت کرده اند، در سال ۱۳۹۰ مجموعه شعر جنگ توسط انتشارات توس گستر و موسی بی عصا معجزه می کند (مجموعه شعر جنگ) است که در سال ۹۵ توسط نشر امینان از این شاعر منتشر شده است که به صورت مجموعه شعر از شاعران سراسر استان هرمزگان جمع آوری کرده اند. «خلیج بوی تو می دهد» سروده‌های پایداری سهراب سعیدی در سال ۱۳۹۸ است، «کوچه‌های شهدا» توسط امیر حسین والا در سال ۱۳۹۷ جمع آوری شده، غلام امینی دومشهری در سال ۱۳۹۳، کتاب «تفنگ» را از لغت نامه‌های جهان بر خواهم داشت» چاپ کرده است و محمد دهقانی در سال ۱۳۹۷، خالق کتاب یک جرعه ارومند داغ است. این مقاله اندیشه و محتوا را در دو کتاب چاپ شده بانوان هرمزگان در این خصوص بررسی می کند.

بحث اصلی

شاعران زن هرمزگانی همپای مردان و دیگر شاعران کشور از مسائل اجتماع و بحث روز غافل نیستند از این رو در آثار منظوم و منثور خود ارزش‌های مادی و معنوی دفاع مقدس و رشادت و دلیری‌های رزمندگان اسلام را پوشش قرار داده‌اند. بعضی از شاعران زن هرمزگان به صورت تخصصی پای به این وادی گذاشته‌اند و کتابی جداگانه در این موضوع دارند و بعضی دیگر به مناسبت‌ها و در مجموعه اشعار توسط حوزه هنری و حفظ آثار و ارزش دفاع مقدس، آثار خود را به چاپ رسانده‌اند که در این راستا می توان به: «زهرا اسپید»، «امینه دریانورد»، «آیدا احسانی»، «فهیمة رازقی»، «افسانه شجاعی»، «فرشته قربانی»، «ندا سخایی»، «نسرین صابری»، «زهرا ذاکری»،



«زهرا عبدالصمدی»، «خاتون رئیسی»، «نسرین یوسفی»، «مریم بهرننگ فر»، «زهرا آمیخته»، «فرزانه اکسیر»، «سپیده مختاری»، «زهرا مریدی»، «هما شیروانی»، «طاهره نظری علیپور»، «نرگس نصیری»، «زهرا صامتی»، «سمانه رضائی زاده»، «فرزانه باستین»، «کبری فدوی»، «یاسمن عباسی»، «فاطمه رحمانی»، «فاطمه رحمانی»، «محبوبه انصاری»، «زینب اله پرست»، «مهشید صابری»، «هنگامه درویشی»، «لیلا عباس زاده»، «مریم سید افقهی»، «نسرین جعفری»، «راضیه کلاتر»، «طیبه قاسمی»، «راضیه حیدری»، «فاطمه رحمانی»، «صدیق سرتک زاده»، «زهرا عقیقه»، «مهرنوش پر خاری» و... اشاره کرد که بعضی‌ها هرمنگانی‌اند و بعضی دیگر در هرمنگان متولد شده‌اند و شاعرانی دیگر محل کار و زندگی ایشان استان هرمنگان است؛ اما در گروه اول «اعظم پشت مشهدی»، کتاب «پلاک dj» اش را در سال ۱۳۸۵ و «اطهر قوامی» کتاب «عاشقانه روی مین» را در سال ۱۳۹۶ چاپ کرده‌اند. از این رو این مقاله به بررسی دو کتاب تخصصی شعر هرمنگان این دو بانو در حوزه دفاع مقدس می‌پردازد.

اعظم پشت مشهدی

در آثار این بانوی شعر معاصر می‌توان به وفور آثار دفاع مقدس را مشاهده کرد؛ به طوری که با توجه به چند اثر چاپ شده اش در این خصوص وی را شاعر جنگ نامیده‌اند. پشت مشهدی علاوه بر این، به طرح مسائل اجتماعی پرداخته و به خوبی مشکلات و دردهای اجتماعی را باز گفته است. مجموعه‌ی «پلاک dj»، ۷۱ قطعه شعر با دفاع مقدس را شامل می‌شود. شاعر در این کتاب به محتوا بیشتر از شکل و قالب شعر اهمیت داده و به خوبی توانسته است با زبانی ملایم و ساده، جایگاه شهدا و درد از دست دادنشان را بازتاب دهد. او در این مجموعه، شعر مردانگی، مهربانی و اخلاص را مختص شهدا و دوران انقلاب و دفاع مقدس می‌داند؛ همچنین تلاش می‌کند که فراموش شدن شهیدان و اتفاقات روزهای جنگ را برای مخاطب خود به تصویر بکشد. بعضی از آثار اعظم پشت مشهدی عبارتند از: «جای پای یوسف» سال ۸۶، «شعری که شناسنامه توست» سال ۸۷، «علامت سوال دیگری بگذارید من فرزند شهید نیستم» سال ۸۹، «خمپاره‌ها به خوردن سیب عادت کرده‌اند» سال ۹۰ و «موسی بی عصا معجزه می‌کند» که در سال ۹۵ چاپ شده است. این



مقاله مجموعه‌ی «پلاک dj» ایشان، که در سال چاپ ۱۳۸۵، توسط انتشارات صریر تهران چاپ شده را بررسی می‌کند.

زبان

زبان شعر پشت مشهدی در سروده‌های دفاع مقدس اش، ساده و صمیمی و نزدیک به زبان گفتار است؛ اعظم پشت مشهدی روایتگر رخداد‌های دفاع مقدس با زبانی ساده برای مخاطبانی است که چه بسا هرگز روزهای ایثار و شهادت را درک نکرده‌اند. شعر پشت مشهدی شعر نوبی‌وزن است، که در برخی از آن‌ها می‌توان تصویری از اوضاع زندگی مردم در زمان جنگ هشت ساله را مشاهده کرد.

نمونه‌ای از سادگی در اشعار پشت مشهدی:

«شبیہ من است / نه! من شبیہ اویم / او که در قاب ساده همیشه خاموش / مثل همیشه / لبخند می‌زند به من و مادر / منی که شبیہ اویم / و مادر، که مثل هیچ کس نیست / خود اوست، نه مادر است! / با دست‌هایی شبیہ پدر! / و چشم‌هایی / که جای بوسه‌های کودکی ام را / برای عکس پدر / مزمره می‌کند / ...» (پشت مشهدی، ۱۳۸۵: ۳۱).

و یا در این شعر ساده گفتاری:

«می‌گویند یک میلیارد تومان / برای فیلم جنگ! / چه سخاوتی به خرج داده / سینمای نسل جدید! / برای «دوئل» / اولین فیلم پرخرج سینمای جنگ! / شنیده‌ای؟! / ...» (همان، ۳۵).

پشت مشهدی در کتاب شعر «پلاک dj» زبان ساده و گفتاری استفاده کرده است. ایشان در اشعارش رها است و با توجه به حجم زیاد اشعار دفاع مقدسی اش از هر دری سخن گفته، گاه زیرکانه منتقد می‌شود و گاه روایتگر محض جنگ است.

اصطلاحات دفاع مقدس و ادوات جنگ

در شعر اعظم پشت مشهدی، واژه‌ها و ترکیبات مربوط به دفاع مقدس بسامد چشمگیری دارد و شعر ایشان پر از صحنه‌های جنگ و ادوات جنگی است که رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس



جهت آرامش و آسایش ما استفاده کرده اند. شعر پشت مشهدی تصویری گویا از تعلق خاطر او به دستاوردهای دفاع مقدس و ارزش نهادن به رزمندگان، جانبازان و شهداست که نمونه هایی از ادوات را در شعر ایشان زیر عنوان موضوعی نشان می دهیم:

تیر و ترکش

«تیر و ترکش» به عنوان دو مورد از ادوات جنگی که ابزار پرواز شهدا به ملکوت است در شعر پشت مشهدی بازتاب داشته است که به ذکر نمونه هایی بسنده می کنیم:
از میان هیاهوی سرفه های درد/ رقص اروند/ در گستاخی جنون آمیز تیر و ترکش/ با شراره های آتش/ به سپیده لبخند می زند» (پشت مشهدی، ۱۳۸۵: ۲۴).

پشت مشهدی تیر و ترکش را موجوداتی گستاخ و بی شرم می داند و در چند شعرش بر اعتقاد خویش پافشاری می کند: «با خنجر ترکش های گستاخ/ رفته اند به مسلخ/ پروانه باش/ وقت سر زدن از پله های ترس» (همان، ۱۸۲).
«شلمچه بغض کرده است/ و کسی/ جای ترکش های مانده بر سینه اش را/ از سر اخلاص نوازش نمی کند: (پشت مشهدی، همان: ۷۷).

خمپاره

«خمپاره» هم از ادوات جنگی است که پرواز را بر رزمندگان آسمانی راحت تر می کند، بازتاب این واژه در چند شعر پشت مشهدی بازتاب ویژه داشته است: «بهانه می آوردی/ این قلم/ خمپاره نیست/ که نطفه هایش/ از دست و پاهای قطع شده ات/ متولد شود» (پشت مشهدی، همان، ۱۰۴).
«وقتی جای سجاده قنوت نگاهت/ خمپاره ۱۲۰/ مرز شانه هایت را/ برای پرواز/ پاره پاره کرد» (همان، ۱۳۶).

«یک پوکه خمپاره مانده است/ با آبی که نرسیده/ به ترک های لب بچه ها» (همان، ۱۵۴).
در شعر پشت مشهدی رزمندگان وطن همیشه مظلوم هستند. پشت مشهدی همواره دشمنان را به حیواناتی مانند گراز و کفتار تشبیه می کند.



تانک

«تانک» از ادوات سنگین نظامی است که همواره با صدای مهیب ارابه و شلیکش که در پی آن خرابی و ویرانی است در شعر شاعران پایداری بازتاب داشته است که در این راستا اعظم پشت مشهدی نیز غافل نمانده است، ایشان با همان سادگی اشعارش واقع‌های بزرگ را نمایش داده است:

«اشک‌های من / که جای خون را/ نشان دندان نیش تانک / می‌دهد...» (همان، ۹۱).

و: «تانک‌ها را روی آسمان خراش‌ها می‌سازند/ کروات و دستمال گردن‌ها/ به جای آدم‌ها/ از بالابره‌های شیشه‌ای بالا می‌روند» (همان، ۸۰).

و یا: «یک قلم و دو کفه ترازو/ یک مداد کوچک/ سهم شاعره‌ای بی‌ارزو/ می‌گویند پایش را/ یادش رفته از میدان مین بر دارد/ و انگشت کوتاه شده اش را/ لای چرخ‌های تانک» (همان، ۸۱).
«آر. پی. جی» بعنوان ابزار شکار تانک‌ها توسط رزمندگان در شعر پشت مشهدی آماده بر هم زدن معادلات است: «یک علامت ضربدر/ دوباره معادله ریاضی/ روی تانک/ به فصل بارش آر. پی. جی» (همان، ۸۹).

جنگ

در شعر معاصر وقتی سخن از جنگ می‌شود، در ذهن آدمی خاکریزهای هشت سال دفاع مقدس با مردمان مبارز و با اخلاص آن تداعی می‌شود. رزمندگان سخت کوش که تمام معادلات دشمنان را بهم زدند و در مقابل تمام قدرت‌های جهان ایستادگی کردند؛ واژه جنگ در شعر پشت مشهدی چند گونه آمده است:

«می‌گویند یک میلیارد تومان/ برای فیلم جنگ/ چه سخاوتی به خرج داده/ سینمای نسل جدید / برای دوئل / اوین فیلم پر خرج سینمای جنگ» (همان، ۳۵).

و: «به یاد ۴۸ شهید گمنام / در ۸ مقبره / به نام هشت سال دفاع مقدس / در اکواریمی به نام تندیس جنگ» (همان، ۷۸).

و یا: «فردا کفن ندارم / برای رفتن / این سهم شاعره‌ای است / از نوازش جنگ» (همان، ۹۵).



و دیگر: «شعری که گفتم / قرار نبود برای جنگ باشد / آخر، جنگ نشد / که من شاعر باشم» (همان، ۱۱۳).

پشت مشهدی از «تندیس جنگ» و «نوازش جنگ» استفاده می‌کند که ترکیبات زیبا و بکری هستند.

بمب

بمب خوشه‌ای در شعر پشت مشهدی کاربرد دارد و در واقع این بمب‌ها در طول جنگ جهانی دوم برای هدف قرار دادن شهروندان و تجهیزات نظامی بکار برده شده‌اند:

«شاخ و شانه می‌کشد / برای ویرانه‌ها / که تلی از سکوت اند / این بمب‌های خوشه‌ای!» (همان، ۱۱۹).
پشت مشهدی در شعر دیگرش علاوه بر بمب خوشه‌ای از ترکیب جدید بمب بی‌نام و نشان استفاده می‌کند: «خوشامد گویی / با پرتاب بمب‌های بی‌نام و نشان / حواله هر کسی که شد / شد..» (همان، ۱۲۴).

پوتین

«پوتین» و «بند پوتین» را محکم بستن در ادبیات فارسی، آمادگی کامل رزمندگان برای ایستادگی و نبرد را نشان می‌دهد: «در سال‌های عبور ورق می‌خورد / شبیه تو / بهانه می‌شود برای از تو گفتن / پوتین هایت خسته‌اند / و پاهایت خسته‌تر» (همان، ۴۴).

پشت مشهدی در این شعر رزمنده‌اش را دعا می‌کند تا همیشه زنده باشد و پای در پوتین برای استقلال و امنیت کشور بجنگد: «دعا کردم بمانی و نروی / و تو دعا کردی / دعا کنم بروی / دعا کردم / پاهایت تا همیشه در پوتین بماند» (همان، ۵۱).

و این شعر که آمادگی کامل رزمنده برای نبرد را نشان می‌دهد: «من از کنار همان چهار قد قدیمی مادر بزرگ / چشمم را به تو دادم / چقدر با بند پوتین ات بازی کردی» (همان، ۷۰).



نارنجک

پش مشهدی نارنجک را بهانه‌ای برای رفتن به میهمانی خدا می‌داند از این رو تمام ادوات جنگی برای رزمندگان مایه خوشحالی است که می‌توانند با آن به دیداری محبوب ازلی و ابدیشان بروند: «یک بغض مانده است/ و یک نارنجک/ که بهانه شد برای رفتن به میهمانی خدا» (همان، ۱۵۴).
و در شعری دیگر: «یک نارنجک مانده است/ گرازها حتی به دندان‌های نیش خود/ خشاب آویزان کرده اند» (همان، ۱۵۳).

خاکریز

«خاکریز» یا سنگر تلی از خاک است که در مقابل حملات توپخانه‌ای دشمن در نقطه خط مقدم توسط رزمندگان ایجاد می‌شود و معمولاً رزمندگان با خاکریز شناخته می‌شوند و با سنگر انس می‌گیرند. خاکریز در شعر پشت مشهدی بازتاب داشته که به چند مورد اشاره می‌کنیم:
«شلمچه در پستی و بلندی خاکریزها/ در غبار دود و آتش/ پایکوبی می‌کند» (همان، ۴۴)
پشت مشهدی علاوه بر ترکیب «تندیس جنگ» از ترکیب «تندیس خاکریز هم استفاده می‌کند: «از بودن تا رفتن/ چقدر راه است/ کمی برای خواب دیدن/ منصف باش/ نگو مرا می‌شناسی/ من تندیس خاکریز و خمپاره‌ام» (همان، ۵۳).
و در جایی دیگر: «خاکریز/ پاهایم را به نشانه می‌چسپانند/ بلندم می‌کند/ و آسمان دستانم را به آغوش آر. پی. چی» (همان، ۹۰). خاکریز محل پرواز ملکوتی رزمندگان و محل کسب مدال افتخار شهادت است.

سیم خاردار

«سیم خاردار» بعنوان یکی از ساده‌ترین ادوات جنگی در شعر بسیاری از شاعران هرمزگان آمده است، در شعر اعظم پشت مشهدی نیز، رزمنده با سیم خاردار پیوند محکمی دارد:
«سیم‌های خاردار/ در گردآگرد جسم خاکی و افسون شده‌ام/ بر سر دو راهی ترس و ایمان ایستاده‌اند» (همان، ۴۵).



و: هنوز هم دست‌های من / از شرم پاهای به گل نشسته ام / به صولت سیم‌های خاردار آخرین معبر /
مبهوت مانده است» (همان، ۴۶).

و یا: « شلمچه بغض کرده است / از سیم‌های خاردار که / عنیبه رنگی چشم رهگذرانش» (همان،
۷۵).

تیر، باروت و گلوله

«تیر، گلوله و باروت» از عناصر و ابزار دفاع در برابر بیگانگان و هم از ابزار رستگاری رزمندگان در سنگرهای نبرد حق علیه باطل بوده است که رزمندگان جهت مقاومت به این ابزار مجهز می‌شده‌اند هر چند کشور به علت جنگی نابرابر و همکاری کردن بسیاری از کشورها با دشمن ۸ ساله ایران به همین ابزار ساده نیز به طور کامل دسترسی نداشته‌اند و کمی این مهمات سبب انعکاس آن در شعر شاعران هرزگان بوده است. اعظم پشت شهدی در این خصوص می‌سرایند:
«یک تیر مانده است / و گفتارها سرهای بچه‌ها را / خورشید کرده اند / روی سر نیزه‌ها» (همان، ۱۵۳).
و در خصوص باروت: « زیر گوش شراره‌های آتش / و بوی باروت / که مشام صبحگاهی نفس هایت را / در همبستری هوای این همسنگر خاکی / پر کرد» (همان، ۱۳۶).
و یا گلوله: « پروانه‌ها را به سیخ کشیده اند / بوی خون / گلوله گلوله می‌شود / سوی فاو» (همان، ۹۴).

پلاک

«پلاک» رمز و نشان و خود رزمنده است که خانم پشت شهدی در چند جا به آن پرداخته است:
«آوینی پلاک فکه را / به گردن دوربین‌های روایت فتح انداخت / فکه بود، وقتی آوینی / کلید بهشت را / از خدا گرفت...» (همان، ۶۰).

و: «پلاک dj ات را دارم / از آن آتش‌های مذاب / که پاره‌های تن ات را آورد» (همان، ۸۵).
و در جایی دیگر که پلاک رزمنده با غیرت است: «هنوز هم می‌شود / پلاک‌های مرمی را / لای تیغ تله‌های خورشیدی / تماشا کرد» (همان، ۹۴).



و پلاک که نشانی از شهید است: «تو هم هستی / حضوری به وسعت خاطره / دو جای پا، یک چغیه / یک پلاک نیم سوخته» (همان، ۱۰۳).

چغیه و سنگر

«چغیه» نشان گوش به فرمان بودن رزمندگان در برابر فرمان ولی امرشان است تا سریع لیبک بگویند و صف شکن شوند در دل جنگ، تا با نور ایمانشان مقابل سیاهی‌ها ایستادگی کنند. اعظم پشت مشهدی در این خصوص می‌سرایند: «برای هزار و یک پروانه / چغیه‌ها برگردن / کاراکترهای این نقش‌های مصنوعی / چه بی رحمانه / خودنمایی می‌کنند» (همان، ۷۶).

و سنگرها که چه مردهای مبارز و با ایمانی را در خود پرورش داده، رزمندگانی که هیچ تانکی یارای مقابله با ایمان و اراده آنان نیست: «سنگرها در فریاد توپ و تانک‌ها / شبیه خیمه‌ها / نشسته‌اند زانو بغل / لحظه گریه خاکریز» (همان، ۲۰۲).

اعظم پشت مشهدی در اشعارش، بسیاری از حوادث هشت سال دفاع مقدس، صحنه‌های رشادت‌ها و جانبازی‌های هشت سال دفاع مقدس را به تصویر می‌کشند.

ساختار و شکل

سروده‌های اعظم پشت مشهدی در قالب سپید سروده شده‌اند. او از ظرفیت این قالب برای بیان مفاهیم معنوی و روحانی بهره می‌برد. پشت مشهدی با انتخاب لحنی کوبنده و استفاده از واژگان مهیج برای برانگیختن احساسات مخاطب و رسیدن به اهداف ارزشی و ایدئولوژیک مورد نظر خود تلاش کرده است. شعر پشت مشهدی «میان سپید و آزاد است؛ البته با تعریفی که شفیع کدکنی از این گونه سروده‌های بی‌وزن (وزن عروضی) و قافیه دارد، این سروده‌های را می‌توان «شعر منشور» خواند» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۸۱). در هر حال، پشت مشهدی به صورت مفصل با چندین شعر بلند به روایت مفاهیم پایداری پرداخته است و بدون این که به موسیقی بیرونی کلام اعتنایی نشان دهد، توانسته است کلام خود را با گزینش واژه‌های مناسب و نوعی تکیه روی واژه‌های خاص شاعرانه سازد. به نمونه‌ای از شعر ایشان در این خصوص توجه می‌کنیم: «در سال‌های عبور ورق می‌خورد /



تصویر آشنا/ شبیه تو/ و بهانه می شود برای از تو گفتن/ پوتین های خسته اند/ و پاهایت خسته تر/ چشم دوربین من هم گستاخ تر!/ گونه های تشنه اند/ و لب های تشنه تر/ نگاه مبهوت من هم تلخ تر/ شلمچه؛ در پستی و بلندی خاکریزها/ در غبار دود و آتش/ پایکوبی می کند/ دژ، هنوز در دست دشمن است/ تو می دوی و من می دوم/ بچه ها ایستاده اند، نشسته اند، افتاده اند/ پشت خاکریزها/ نه رو در روی تانک ها/...» (همان، ۴۴).

اندیشه و محتوا

محتوای کلی سروده های اعظم پشت مشهدی، روایت جنگ است و ایشان سعی دارد که در چندین شعر تمام حوادث جنگ را برای مخاطب بیان کند. می توان این گونه پنداشت که انتخاب بیان ساده و خودمانی در سروده های او با محتوای دفاع مقدس و رخدادهای جنگ، شیوه عامدانه ای او برای ارتباط بهتر با مخاطب است. ایشان در اشعارشان، از ارزش و احترام شهدا در میان مردم، پاکی، دینداری اهالی جبهه و وفاداریشان به اعتقادات و باورهای دوران انقلاب سخن می گوید و درد و رنج و سختی های مقاومت در جبهه ها را توصیف می کند. جبهه هایی که دشمنان تا دندان مسلح هستند و رزمندگان فقط با اراده و ایمان خودشان در دل تاریخ حماسه آفریده اند.

صراحت پشت مشهدی در بیان اعتقادات با حمایت مستقیم و بی پروا از ارزش های دفاع مقدس و پایداری در مقابل دشمنان، سروده های ایشان را در شمار «متن های گفتمانی» قرار می دهد. «اساساً متن هایی که در آن ایدئولوژی با صراحت و شفافیت بازتاب یافته، از نوع «متن های گفتمانی» اند که به طور مستقیم نشانه ها و محتوای گروه ایدئولوژیک را بیان می کنند» (فوجی، ۱۳۹۱: ۳۵۰).

نمونه ای دیگر از اشعار خانم اعظم پشت مشهدی را ذکر می کنیم تا با سبک، محتوا، اندیشه و زبان شعری ایشان بهتر آشنا شویم:

«از بودن تا رفتن/ چقدر راه است؟/ کمی برای خوب دیدن/ منصف باش!// نگو مرا نمی شناسی/ من تندیس خاکریز و خمپاره ام!» (پشت مشهدی، همان، ۵۳).

و نمونه ای دیگر:



«اینجا آسمان اش بوی خدا می دهد/ تربت اش بوی خون/ و آن چه بر صحنه می بینی/ بوی شهادت/ بویی که از رنگ خون شفاف تر/ و از آسمان خدا/ عطر آگین تر است/ آخر اینجا/ شیمیایی شهادت زده اند» (همان، ۵۷).

ترکیبات زبانی

در حوزه ادبیات دفاع مقدس، ترکیباتی نظیر خاکریز، شعر بی جنگ، سوت خمپاره، خاطر جبهه، سیم های خاردار و خواب مین، و ترکیبات متفاوت دیگری در شعر این شاعر دیده می شود، که در اینجا به ذکر نمونه هایی بسنده می کنیم:

«باید گذشت/ این آخرین پل است/ و سیم های خاردار/ که همچون سگ ها/ پاره های تن ات را از هم / می درند» (همان، ۱۸۸)

و: روزهای سبز هر پنج شنبه/ کسی/ هوای شرجی خاطر جبهه را/ نمی گیرد» (همان، ۱۸۰).

و یا: «اینجا به جای دف/ تانک ها می زنند/ به جای نی/ سوت خمپاره ها» (همان، ۱۱۰)

و دیگر: «شعر بی جنگ/ شعر است/ و جنگ بی شعر/ جنگ/ شاعر بی اسلحه/ قلم دارد» (همان، ۱۱۳).

«از عوامل تشخیص دادن به زبان و خارج کردن آن از حالت اعتیادی، ساختن ترکیباتی است که هر یک از اجزای آن با معانی قاموسی در زبان وجود دارند؛ اما ترکیب ممکن است به گونه ای باشد که در خواننده ایجاد شگفتی کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۹).

اطهر قوامی

اطهر قوامی به قالب های سنتی شعر فارسی هم توجه نشان داده، هر چند بیشتر سروده های او غیر عروضی (سپید) است. شعر قوامی گاهی در بردارنده استعارات است. مجموعه «عاشقانه روی مین» اطهر قوامی در دو بخش کلاسیک و نیمایی آمده است که البته اشعار این مجموعه بیشتر سروده های کوتاه شاعر در مورد شعر جنگ است. قوامی در سروده های کوتاه خود به طرز ماهرانه ای به جنگ تحمیلی و پیامدهای بعد از آن اشاره دارد:



«وقتی معشوقه ات شدم / جنگ / نصف تو را برده بود» (قوامی، ۱۳۹۶: ۵).
و: «معشوقه های جنگی / مادران هیتلرهای بسیاری شدند / وقتی جنگ / آثار نقاشی اش را پاک
نکرد» (همان، ۴۴).

و یا: «شهید می کند / چشم هایت / پرستو را در اولین کوچ...» (همان، ۵۳).

زبان

اطهر قوامی در سروده های خود به ویژه سرودک ها با استفاده از واژه های کلیدی و پیامکی با مخاطب ارتباط برقرار می کند. زبان شعر او، اوضاع اجتماعی دوران جنگ را به درستی به تصویر می کشد. او در شعرهایش در حوزه ی دفاع مقدس از تصاویر درهم تنیده و دشوار استفاده نکرده؛ از این رو، بیانش صادقانه و بی پرواست:

«شهر را به توپ بستند / تو اما / گل کاشتی روی مین» (همان، ۶۵).

و: «جنگ اندازه آغوشم نبود / چکمه هایت را / بغل کردم» (همان، ۶۱).

و یا: «خرمشهر عزا دار شد / وقتی / تو / پاهایت را به نشانه شادباش دادی» (همان، ۶۰).

کاربرد اصطلاحات دفاع مقدس

اطهر قوامی واژه ها و ادوات جنگی و حماسه را در اشعارشان استفاده کرده که واژه «جنگ» با ۲۶ مرتبه تکرار بیشترین بسامد را در بین واژه های پایداری به خود اختصاص داده. ایشان از واژه «صلح» تنها سه مرتبه استفاده می کند و این نشان از آن است که ذهن ایشان بیشتر درگیر جنگ و پشتیبانی معنوی از رزمندگان بوده است. در مجموعه «عاشقانه روی مین»، اطهر قوامی روی هم رفته از ۲۶ اصطلاح جنگی در ۱۵۳ مرتبه در قالب کلاسیک و نیمایی در ۶۶ شعرشان تکرار می کنند. کتاب ایشان با قطع رقعی و داری ۶۸ ص است. در این مجال به ذکر چند نمونه از شاخصه های جنگ در اشعار دفاع مقدسی ایشان می پردازیم:

آرزوی صلح

برای تحقق صلح باید جنگید. شاعران مقاومت و پایداری، برقراری صلح عادلانه را در گرو جنگ و رهایی سرزمین خود می دانند.



«قوامی در مجموعه شعر دفاع مقدسی اش تنها سه بار به موضوع صلح پرداخته است و در واقع ایشان در این شعر با نپذیرفتن صلح مردم فلسطین را به دفاع از خود و پایداری از میهنشان دعوت می‌کند:

«صلح/ بی رنگ ترین واژه کبوتر است / روی سیم هار خاردار فلسطین» (قوامی، ۱۳۹۶، ۴۱).

مرثیه‌سرایي و سوگواری‌ها در شعر انقلاب

یکی از مهم‌ترین موضوعات ادبیات پایداری بیان سوگ‌نامه شهیدان و قهرمانان عرصه جنگ، و توصیف بی‌رحمی دشمن است. شاعران انقلاب، صحنه‌های جنگ هشت سال دفاع مقدس را با صحنه‌های کربلا و عاشورا تطبیق می‌دهند. اطهر قوامی، طرح الگوها و نمادهای تاریخی و مطابقت شرایط حاضر با آن را که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اندیشه در شعرهای دفاع مقدس است در اشعارش روایت می‌کند این غزل یکی از همین گونه شعرهاست:

قلم بر بال دفتر می‌خورد، پر می‌برد با خود قلم افتاده روی واژه، خنجر می‌برد با خود
نشستم پای در، از در بگویم، در زبان وا کرد نگو از در که، در پهلوی مادر می‌برد با خود
نباید دست روی دست بگذاریم، چرا؟ چون که خیال اب را مشکی شناور می‌برد با خود
غزل اسبی ست خونی، پس عرق در یال و کم طاق به پهلوی می‌زند تن‌های بی سر می‌برد با خود
«الا یا ایها الساقی ادرکاسا و ناولها» چرا حافظ مرا هی سمت دیگر می‌برد با خود
نبرد از نارقیانی که یک یک می‌روند آن سو پر است اما خیالی نیست، خواهر می‌برد با خود
به خود گفتم نمی‌خواهم ببینم کربلایت را مرا اما همیشه بیت آخر می‌برد با خود»
(قوامی، همان: ۱۳)

قوامی در این شعر مرثیه گونه قسمتی از تاریخ را روایت می‌کند و به نماد گرایی تاریخی می‌رسد و در این حالت شاعر متفکر از خاطره‌های قومی و کهن بهره می‌گیرد تا تلمیحی به ماجراهای تاریخی داشته باشد. و این کار در ادبیات پایداری انقلاب مسبوق به سابقه است که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:



یاران چو غریبانه رفتند از این خانه هم سوخته شمع ما هم سوخته پروانه
ای وای که یارانم، گل‌های بهارانم رفتند از این خانه، رفتند غریبانه
(بیگی، ۱۳۶۹: ۳۱)

«قیصر امین‌پور» در غزلی به یاد شهیدان می‌گوید:
بیا به خانه آلاله‌ها سری بزنیم ز داغ با دل خود حرف دیگری بزنیم

یه یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم
(میرجعفری، ۱۳۷۵: ۵۰۱)

«علیرضا قزوه» در سوگ شهیدان می‌گوید:
در کوله‌بار غربرتم یک دل از روزهای واپسین مانده است
عباس‌های تشنه لب رفتند مشک صداقت بر زمین مانده است
من بودم و او بود و گمنامی نامش چه بود انگار یادم نیست
بر شانه‌های سنگی دیوار نام توای عاشق‌ترین مانده است
(قزوه، ۱۳۷۵: ۴۲)

جنگ

اطهر قوامی، در مجموعه شعر جنگش، از واژه جنگ به گونه‌های مختلف با تصاویر گوناگون به کار برده است گاهی از زبان جانبازی که پاهایش را در جنگ از دست داده سخن می‌راند که هر چند جنگ تمام شد اما پاهای از دست رفته رزمنده برنگشت:

«پایی که برنگشت / پاهای من بود / روی شانه‌های جنگ» (قوامی، همان، ۴۳)

یا دوباره از زبان همسر یک جانباز درد دل می‌کند و از وفاداریش سخن می‌راند:

«وقتی معشوقه‌ات شدم / جنگ / نصف تو را برده بود» (همان، ۵۲)



در نگاهی دیگر، قوامی از جنگ تصویر عاشقانه می‌سازد که در جنگ چشمان معشوقه اش اسیر شده است و این تصویر تازه و برداشت متفاوتی است که این شاعر از جنگ دارد. حس جنگ با حس زنانه به هم می‌پیوندد و این شعر خلق می‌شود:

«از جنگ/ تا جنگ/ تنها/ نگاه تو است که اسیر می‌گیرد» (همان، ۴۶)

در نگاهی دیگر جنگ اسم معشوقه هیتلر است که کشتار را به جان مردم انداخته است: «جنگ نام معشوقه هیتلر بود/ وقتی نامش را از زبان بشریت شنید/ کشتار را / به جان مردم انداخت» (همان، ۴۸)

در شعر قوامی رزمنده عاشق سنگر و جنگ است:

«جنگ برای من / معشوقه ام بود/ با پای بی‌پا» (همان، ۴۷)

ادوات جنگ

قسمتی از موضوعات شعر پایداری خانم اطهر قوامی، ذکر ادوات جنگی مختلف مانند: «تانک»، «جت»، «خشاب»، «ترکش»، «بمب افکن»، «موشک»، «پوتین»، «چکمه»، «خمپاره» و «تیر و تفنگ» است که هر چند زیاد تکرار نشده‌اند اما ذهن شاعر زن را نیز که جبهه‌های حق علیه باطل رو تجربه نکرده در گیر خود کرده است. در اینجا به نمونه‌های شعری هر کدام از این دست، اشاره می‌کنیم:

تانک

«تانک دست در دست خدا/ راه می‌رفت/ من / دست‌هایم را به او قرض دادم» (قوامی، همان، ۵۲)
و: «جنگل‌ها را سوزاند/ تانک/ روی مین‌های خنثی شده» (همان، ۵۸)

جت

«جت‌ها/ مانور هوایی دادند/ روی تور سوخته شهر» (هامان، ۶۰)



خشاب

«خشاب‌های برنده / همیشه از آن تو بود / باز هم برنده‌ای / من چادر گلدار مادر را / روی مزارت می‌کشم» (همان، ۲۸)

ترکش

«رو سری گلدار مادرم را / ترکش‌ها / آب خون دادند» (همان، ۴۵)

بمب افکن

«بمب افکن‌ها را به میهمانی بفرستید / هیروشیما / سال‌هاست / لباس عروسی‌اش را پف کرده پوشیده» (همان، ۵۹)

موشک

«موشک‌هایی که رقصیدند / دامادهایی با کل‌های ممتد موشک / به حجله‌های بی‌عروس / پا گذاشتند» (همان، ۴۱)

پوتین

«در من / جنگ جوهای بسیاری / رژه می‌روند / بی پوتین / بی دست / بی تو» (همان، ۴۴)

چکمه

«کوچیک بود پامون واسه چکمه‌ها / ولی قلبمون وسعت عشق را داشت» (همان، ۲۰)
و: «جنگ اندازه آغوشم نبود / چکمه‌هایت را / بغل کردم» (همان، ۶۱)

خمپاره

«کودکانم را به اسارت برد / خمپاره‌ای که نام الله را یدک می‌کشید» (همان، ۶۲)

تیر و تفنگ

«ماشه را چکاندی / کودکان / با تفنگ‌های چوبی / مردند» (همان، ۴۲)



تک تیر انداز

«فراموشم شد / که تو پر از صدایی و من / موج تک تیر اندازها / آر پی جی را / روی سنگر کناری ام
خواباند» (همان، ۳۷)

انفجار

«انفجار دوباره‌ای در درونم مرا صدا می‌زند / این بار / روی دامن دریا (همان، ۱۰)

باروت

«باروت بوی تازه‌ای می‌داد / نعش رفیقش را گرفت آغوش / این ور رفیقش رو کفن می‌کرد / اون
ور زمین می‌کند با چاقوش» (همان، ۱۴)

ماسک

«من عروسکم را گیس بریده / به آن عراقی هدیه کردم / که دخترش را سال هاست ندیده / او
ماسکش را به من / تیرش را به پدرم» (همان، ۶۴)
و: «سرفه‌هایت را / یکی در میان به صورتم بپاش / مثل لبخندت / وقتی ماسک را به هم‌زمی ات /
پیشکش می‌کنی» (همان، ۵۶).

گلوله

«ماشه‌ها را بچکان / رو به روی مزرعه گندم / با هر گلوله / قلب هزاران گنجشک می‌میرد» (همان،
۳۹)

وقتی از جنگ و پایمردی و پایداری سخن گفته می‌شود همه انتظار دارند که اشعار مربوط به آن
نیز از لحاظ اندیشه، محتوا، عاطفه و تصاویر موجود در شعر حماسی باشد؛ تصاویری اغراق آمیز با
قهرمانانی شجاع و دلاور که کارشان فقط انجام کارهای خارق العاده و کشت و کشتار است. در
صورتی که در شعر جنگ و دفاع مقدس اصلاً چنین چیزی موضوعیت ندارد. قهرمانانی از گوشه و
کنار ایران برخاسته‌اند تا ضمن دفاع از کیان و دین و شرف خود اوج عرفان و عشق ورزی را نیز
به نمایش گذارند. آنان در پی جنگ نیستند، حتی به شدت از آن متنفرند ولی در مقابل دشمن نیز



زانوی دنائت بر زمین نمی زند بلکه تا پای جان می ایستند. شاعران جنگ با چنین قهرمانانی روبرو هستند. از این رو باید بتوانند ضمن نشان دادن اوج شجاعت رزمندگان، عمق معنویت و اخلاص و پاکی آنان را نیز نمایش دهند. بهترین کار برای نیل به این منظور امتزاج حماسه و غناست» (اکبری، ۱۳۷۱: ۲۵).

باورهای عامیانه

بدرقه مسافر با آب و آئینه و قرآن از رسم‌های معمول در کشور است. قوامی در این شعر بدرقه مادر شهید از فرزندش را به تصویر می کشد:

از زیر قرآن هی ردش کردو چشماشو نذر پسرش کردو
پشت سرش یه کاسه آب پاشید پشت سرش عباس برگردو»
(قوامی، ۱۴)

بدرقه مسافر و ریختن آب پشت سرش باوری است که در آن مسافر زود به منزل باز می گردد. بدرقه کردن مسافر، یکی از آداب برجسته ی فرهنگ ایرانیان بوده وهست. این کار در ادبیات فارسی نیز مسبوق به سابقه است و در شاهنامه فردوسی در دوران پادشاهی: منوچهر، کی کاوس، سهراب، سیاوش، کاموس کشانی، دوازده رخ، لهراسپ، رستم و اسفندیار، اسکندر، اشکانیان، یزدگرد، بهرام گور، کسری، خسرو پرویز، مورد اشاره فردوسی بوده است.

مین

«مین» یکی از واژه‌های پر بسامد بعد از «جنگ» در شعر اطهر قوامی است. ایشان از «مین» در تعابیر و تصاویر گوناگون استفاده می کند که به نمونه هایی اشاره می کنیم.

«قلبش که از جا کنده شد انگار رو خاکریز، روی مین افتاد»
(همان، ۱۶)

و «شب آخر عملیات/ جنگ مین‌های خنثی شده‌ای است/ که در سینه ام/ گاه گاهی منفجر می شود» (همان، ۲۹)



و: «مین‌ها/ گناهکارترین اند/ اندام‌های لخت بسیاری دیده‌اند» (همان، ۴۹)

و: «شهر را با به توپ بستند/ تو اما/ گل کاشتی روی مین» (همان، ۶۵)

شب آخر عملیات، مین و توپ، نماد میدان رزم و روحیه حماسی رزمندگان است که قوامی توانسته از آن تصاویری پویا و بکری به وجود آورد. از نظر قوامی مین‌ها چون با قطع شدن بدن رزمندگان آن‌ها را دیده‌اند گناهکارترین هستند.

پلاک

پلاک رمز هویتی رزمنده، در اشعار ادبیات پایداری خود رزمنده شهید است که با پلاک و تکه‌ای از استخوان بر می‌گردد. پلاک رزمنده هر چند خود رزمنده است در اشعار ادبیات پایداری بازتاب گسترده‌ای داشته است که خانم قوامی نیز از این موضوع غافل نمانده است. ایشان اشعاری در این خصوص دارند که به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌کنیم:

«تو پلاکت را / در آرواره ی کدام ماهی جا گذاشتی / که هرمز/ عروس حلقه به گوشات شد» (قوامی، همان، ۳۹).

در این شعر پلاک خود شهیدی است که برای دفاع از اب‌های میهن‌مان جان داده است اما ماهی‌ها (مردم) همچنان راهشان را ادامه می‌دهند.

خاکریز

«خاک ریز» یا «سنگر» یکی از ابزار پر کاربرد و محل پروزا شهدا به ملکوت است که مورد توجه بوده است و معمولاً شهدا را در خط مقدم با سنگر و خاکریز می‌شناسند.

«هی داد می‌زد سمت چپ عباس/ این خاکریز چندمه/ چنده؟» (قوامی، ۱۹)

قوامی در تصویری دیگر از خاکریز، به رزمندگان جانباز اشاره دارد که با مین‌های دشمنان تکه‌ای از بدنشان را جا گذاشته‌اند. اما همچنان با دل و جان می‌جنگند.

و: «مسیر نگاهم را/ تا مرز خاکریزهایی مین گذاری می‌کنم/ که برادرم عباس/ دست‌هایم را جا گذاشت» (همان، ۲۷)



گلوله و ترکش

«گلوله» و «ترکش» دو مورد از ادوات جنگی است که با هیچ رزمنده‌ای شوخی ندارد. و مادران نیز از صدای ترکش و گلوله آرام و قرار ندارند، قوامی این تصویر را اینگونه می‌سراید:

«صدای گلوله اذان شکست / شروع نبرد و به خاطر بیار / بلند گوی مسجد پر از ترکشه / بدون غرق خون، مادرا بی قرار» (همان، ۲۰)

قوامی در این شعرش با حس زنانه اش از خداوند می‌خواهد که هر چه زودتر صدای دلخراش گلوله و ترکش که شهر را به آتش کشیده‌اند تمام شود تا مردم روی آرامش و خوشی ببینند.

و:

«صدای گلوله از پشت سرم خبر می‌ده دور میشن این جانیا
همونا که شهر رو به آتش زدن همونا، همونا، همونا، خدا»
(قوامی، ۲۲)

در این شعر قوامی از گلوله تصویر متفاوتی دارد. صدای گلوله رزمنده‌های خودی که می‌شنود بر این باور است که دشمنان (جانیان) در حال فرار از مرزهای کشور هستند. و تصویر که شاعر می‌سازد به آزادی خرمشهر اشاره دارد.

شهید و نمادهای شهادت

اطهر قوامی، چهار بار کلمه شهید را در اشعارش به کار می‌گیرد که البتہ هر بار نمادین است. و به ذکر چند مورد اشاره می‌کنیم.

«شهید می‌کند / چشم هایت / پرستو را در اولین کوچ» (همان، ۵۳)

و: «جای هر شهیدی که آلاله شد / خدا رو زمین دشتی از عشق کاشت» (همان، ۲۰)

و این شعر که اسامی شهدا را ذکر می‌کند:

«و همت‌ها و فاضل‌ها / کنار ناو جان دادن / رئیسی‌ها و داراها / به دشمن درس خون دادن» (همان، ۲۴)



نمادگرایی تاریخی

اطهر قوامی در چند شعرش به نمادگرایی تاریخی روی آورده‌اند که به ذکر نمونه‌هایی از این دست بسنده می‌کنیم:

«برای قلبی جنگیدم / که / کربلایم بود» (همان، ۵۱)

شاعران معاصر، دفاع مقدس را به کربلا مقایسه می‌کنند از این رو خانم قوامی نیز از این خصیصه ادبیات پایداری جهت بیان اندیشه‌هایش بهره می‌برد و نمونه‌ای دیگر که تلمیح تاریخی دارد:

«صلیب سرخ / نام صلیبی است که مریم باکره اش را / به جنگ فرستاد» (همان، ۵۲)

و یا این شعر که به مقاومت مردم فلسطین اشاره دارد:

«با سنگ به جنگ رفتم / جنگ تا دندان مسلح بود» (همان، ۶۱)

پیروی از راه شهیدان

قوامی در این شعر به ادامه دادن راه شهیدان اشاره می‌کند، ایشان دوبار در اشعارش به زنانگی اش سوگند می‌خورد که در اینجا ذکر می‌گردد:

«راحت باش / برو / ترس / پلاک ات همیشه به گردن چکمه هایت می‌ماند / به زنانگی ام سوگند /

راهت را گلبرگ‌ها ادامه می‌دهند / در باد» (همان، ۵۵)

خانم اطهر قوامی برای اینکه پیرو راه شهیدان باشد، در این شعر نیز به زنانگی اش سوگند می‌خورد:

«به زنانگی ام سوگند می‌خورم / به عشق / به تو / تا باور دنیا را تغییر بدهم / ... / من ابتدای نفس‌هایم

را / روی عطر متمرکز می‌کنم / انتهایش را / در قطعه هنرمندان...» (همان، ۱۱).

قوامی که جزء هنرمندان چند وجهی در بندرعباس است با خود عهد می‌بندد تا زمانی که در قطعه هنرمندان هنرمندان شهر دفن می‌شود، راه شهیدان را ادامه دهد.

جان‌فشانی و حفظ استقلال وطن

اطهر قوامی در شعر زیر با اشاره‌ای کوتاه، جان‌فشانی مردان سرزمین خود را عامل حفظ تمامیت ارضی کشور می‌داند:



«دست‌های جنگ را گرفتم / چهار قدم مانده به پیروزی / تو در کوچه ای / روی تابلو ورودی اش / بی / من / اسم نوشتی / من ماندم و یک دنیا دست نداشته برای نوشتن» (همان، ۶۳).
با توجه به آنچه از سروده‌های قوامی دریافت می‌شود، می‌توان گفت که به لحاظ درون‌مایه‌ی شعری در حوزه‌ی دفاع مقدس، چند موضوع مورد توجه او بوده است: ۱- ایستادگی در برابر هجوم دشمنان ۲- حفظ استقلال کشور ۳- انتقاد زیرکانه از شرایط موجود و مشکلات و کاستی‌های خانواده‌های جنگ ۴- پیوند شعر جنگ با شعر عاشقانه غنایی جهت جذب مخاطب بیشتر بخصوص در نسل جدید ۵- کوتاه‌گویی اما هدفمند و با قدرت بودن سروده‌ها ۶- ارائه تصاویر زنده و بکر از جنگ با زبان ادبی و مستحکم.

نمونه‌هایی از اشعار کوتاه ایشان در این خصوص: «از گوجه متنفرم / رنگش / جگر همسنگرم را / تداعی می‌کند / روی دامن رگبار» (همان، ۵۹).

و: «خم می‌شوم روی پاهایت / پوتینت پاهایت را به سفر برده» (همان، ۵۶).

و یا: «کودکت از من نان خواست / دنیا بدنم را / چند تکه شوم بعد از رفتنت» (همان، ۵۴).

ساختار و شکل

به لحاظ شکل، بسیاری از سروده‌های اطهر قوامی در قالب کوتاه یا طرح است. یکی از ویژگی‌های شعر ایشان ایجاز و گزیده‌گویی است. او توانسته تصویرهایی عینی بسازد که عاطفه و حس مخاطب را تحریک کند. نمونه‌هایی از اشعار طرح گونه دفاع مقدسی ایشان:

«موهایم را شانه بز / با دست‌های جا مانده روی مین ات» (همان، ۵۴)

و: «صلیب سرخ / نام صلیبی است که مریم باکره اش را / به جنگ می‌فرستاد» (همان، ۵۰).

و یا: «جنگ برای من / معشوقه ام بود / با پای بی‌پا» (همان، ۴۷).

در کل می‌توان گفت که تا حدودی، تأثیر صراحت و شفافیت زبان زنانه در فرم‌دهی شعر او نقشی تأثیرگذار داشته است. «بر اساس بررسی‌های انجام شده، زنان از صورت‌های زبانی بهتر یا صحیح‌تر بیشتر بهره می‌برند؛ زیرا آنان نسبت به رفتار زبانی و کاربرد ویژگی‌های زبانی معتبر حساس‌ترند»

(مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۹).



اندیشه و محتوا

اطهر قوامی به مسائل اجتماعی، سیاسی در شعرش توجه دارد. این موضوع در سروده‌هایی هم که شاعر به دفاع مقدس اشاره دارد، بازتاب داشته است؛ در واقع، محتوای شعر او در این زمینه، به گونه‌ای توصیف احوال دو قشر متفاوت جامعه در دوران دفاع مقدس است. ایشان گاه از زبان همسر شهید سروده دارد و گاه با معشوق جانپازش درد دل می‌کنند:

«معشوقه‌های جنگی / مادران هیتلرهای بسیاری شدند / وقتی جنگ / آثار نقاشی اش را پاک نکرد» (همان، ۴۴).

و: «موهایم را شانه بز / با دست‌های جامانده روی مین» (همان، ۵۴)
و یا: «گیس‌های خونی زهرا عجب بوی عشق می‌داد / خرمشهر آزاد شد» (همان، ۳۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این پژوهش، اعظم پشت مشهدی، پایبندی سرسختانه‌ی به رخدادهای هشت سال دفاع مقدس دارد ایشان جهت ارتباط بهتر با مخاطب زبانی ساده و روایی انتخاب کرده است می‌توان گفت قوامی به لحاظ درون‌مایه‌ی شعری در حوزه‌ی دفاع مقدس، ایستادگی در برابر هجوم دشمنان و حفظ استقلال کشور را از دستاوردهای ارزشمند دفاع مقدس می‌داند. اطهر قوامی اما، زبانی ادبی تصویری دارد که به شعر او در حوزه‌ی دفاع مقدس هویت می‌بخشد. قوامی به مسائل اجتماعی، سیاسی و در شعرش توجه دارد ایشان حماسه و غنا را در هم تنیده است تا با ارائه تصاویر زیبا در اشعار طرح گونه و کوتاهش با مخاطب نسل جوان ارتباط بیشتری گیرد و به نوعی در دل‌ها نفوذ کند. هر دو شاعر از سر ایمان و اعتقادشان به اشعار دفاع مقدس روی آورده‌اند و جزء دو زن موفق ادبیات پایداری در استان هرمزگان هستند که هر دو در سال ۱۳۶۰ متولد شده‌اند و صاحب کتاب‌هایی تخصصی در این مورد هستند.

زبان شعر اعظم پشت مشهدی در سروده‌های دفاع مقدس (پلاک DJ) ساده و صمیمی و نزدیک به زبان گفتار است؛ اعظم پشت مشهدی روایتگر رخدادهای دفاع مقدس با زبانی ساده برای مخاطبانی است که چه بسا هرگز روزهای ایثار و شهادت را درک نکرده‌اند. در شعر اعظم پشت



شهدی، واژه‌ها و ترکیبات مربوط به دفاع مقدس بسامد چشمگیری دارد و شعر ایشان پر از صحنه‌های جنگ و ادوات جنگی است. سروده‌های اعظم پشت شهدی در قالب سپید است او از ظرفیت این قالب برای بیان مفاهیم معنوی و روحانی بهره می‌برد. محتوای کلی سروده‌های ایشان، جنگ است و او سعی دارد که در چندین شعر تمام حوادث جنگ را برای مخاطب بیان کند. یکی از شاعران پر کار در حوزه دفاع مقدس استان هرمزگان ایشان است از این رو می‌توان ایشان را شاعر جنگ نامید.

اطهر قوامی اما به قالب‌های سنتی شعر فارسی هم توجه نشان داده، هر چند بیشتر سروده‌های او غیر عروضی (سپید) است. شعر قوامی گاهی در بردارنده‌ی استعارات است. ایشان در سروده‌های خود به ویژه سرودک‌ها با استفاده از واژه‌های کلیدی و پیامکی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند. زبان شعر او، اوضاع اجتماعی دوران جنگ را به درستی به تصویر می‌کشد. قوامی واژه‌ها و ادوات جنگی و حماسه را در اشعارشان استفاده کرده که واژه «جنگ» با ۲۶ مرتبه تکرار بیشترین بسامد را در بین واژه‌های پایداری به خود اختصاص داده است. وی، طرح الگوها و نمادهای تاریخی و مطابقت شرایط حاضر با آن را که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اندیشه در شعرهای دفاع مقدس است در اشعارش روایت می‌کند. با توجه به آنچه از سروده‌های قوامی دریافت می‌شود، می‌توان گفت که به لحاظ درون‌مایه‌ی شعری در حوزه‌ی دفاع مقدس، چند موضوع مورد توجه او بوده است: ۱- ایستادگی در برابر هجوم دشمنان ۲- حفظ استقلال کشور ۳- انتقاد زیرکانه از شرایط موجود و مشکلات و کاستی‌های خانواده‌های جنگ ۴- پیوند شعر جنگ با شعر عاشقانه غنایی جهت جذب مخاطب بیشتر بخصوص در نسل جدید ۵- کوتاه‌گویی اما هدفمند و با قدرت بودن سروده‌ها ۶- ارائه تصاویر زنده و بکر از جنگ با زبان ادبی و مستحکم. به لحاظ شکل، بسیاری از سروده‌های اطهر قوامی در قالب کوتاه یا طرح است. یکی از ویژگی‌های شعر ایشان ایجاز و گزیده‌گویی است، قوامی به مسائل اجتماعی، سیاسی در شعرش توجه دارد. این موضوع در سروده‌هایی هم که شاعر به دفاع مقدس اشاره دارد، بازتاب داشته است.



منابع و مآخذ

- آرین پور، یحیی، (۱۳۷۵)، از صبا تا نیما، تهران، زوار.
- اکبری، منوچهر، (۱۳۷۱)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- برادسکس، جوزف، (۱۳۷۳)، شعر شکلی از مقاومت در برابر واقعیت، ترجمه شهلا شاهسوندی، مجله شعر، سال ۲، شماره ۱۶.
- بصیری، محمد صادق، (۱۳۸۷)، طرح و توضیح چند سوال درباره مبانی ادبیات پایداری.
- پشت مشهدی، اعظم، (۱۳۸۵)، پلاک یت، تهران، صریر.
- چهارقانی برچلوبی، ر، (۱۳۸۱)، نقد و بررسی ادبیات پایداری در شعر پارسی گویان افغان، پایان نامه کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- چهارقانی، رضا، (۱۳۹۶)، ادبیات پایداری در ایران، مجله ادبیات پارسی معاصر، سال ۷ شماره ۲، تابستان ۹۶، صص ۱-۳۳.
- سعیدی، سهراب، (۱۳۹۸)، خلیج بوی تو می دهد، قم، بی نا.
- فتوحی، محمود، (۱۳۹۱)، سبک شناسی، نظریه ها، رویکردها و روش ها، تهران: سخن، کافی، غلامرضا، (۱۳۸۱)، دستی بر آتش، شیراز: نوید.
- قوامی، اطهر، (۱۳۹۶)، عاشقانه روی مین، تهران، آناپنا.
- مدرسی، یحیی، (۱۳۶۸)، درآمدی بر جامعه شناسی زبان، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میر جعفری، علی اکبر، (۱۳۷۵)، حرفی از جنس زمان، تهران، قو.